

فصل چهارم - مسئله ی «تعهد»

با توجه به جدائی ی بخشی از شاعران موج نو و تمرکزشان بر حول نشریه «شعر دیگر»^۱ و، در نتیجه، روشن شدن هرچه بیشتر خطوط فکری و نظری ی آن دسته از شاعران موج نوئی که من نیز خود را از جمع آنان می دانستم، نوشتن مقالاتی را در مطبوعات شروع کردم. در واقع، بیشترین محرک من در نوشتن آن مقالات ثبت آنچه هائی بود که تا آن تاریخ در حوزه شعر موج نو پیش آمده بود. و یکی از موارد اختلاف مسئله «تعهد» در شعر بود.

آن روزها. همراه با بالا گرفتن تب سیاست، سریع شدن حوادث سیاسی، و جنبه تعرضی گرفتن حکومت شاه نسبت به روشنفکران چپ، همه روشنفکران و نویسندگان ایران به موضع گیری در مورد شعر سیاسی، که آن را «شعر متعهد» می خواندند، وا داشته شده بودند و من هم طبعاً نمی توانستم نسبت به این امر بی تفاوت بمانم.

در آن راستا هدف من این بود که نشان دهم، اگرچه از دید موج نو ارزیابی ی مضمون شعرها از لحاظ سیاسی امری غیر هنری است اما اغلب موج نوئی های اصیل در شعر خود به مضامینی همچون «عدالت اجتماعی» و «مبارزه برای آزادی» می پردازند و، بر خلاف آنچه که دیگران می گویند به موج نوئی ها نسبت دهند، شاعران این شعر به آرمان های بزرگ عدالت و آزادی پای بند هستند. من برای انجام این کار دو مقاله نوشتم که هر دو در همان سال ۱۳۴۷ منتشر شدند. نخستین مقاله «ارزش های اجتماعی ی شعر» نام داشت که در نشریه «آرش»، به سردبیری اسلام کاظمیه، چاپ شد^۲ و دیگری «نگاهی به يك شعر احمد رضا احمدی» بود که در نشریه «بررسی ی کتاب»، به سردبیری ی مجید روشنگر منشر گردید.^۳

من، در نخستین مقاله، چنین توضیح دادم: «شاعری که با درد مردم عصر خویش آشناست و در هوای آنان دم می زند، به عنوان يك انسان، قابل ستایش است. اما وجود این حقیقت نه شرط لازم و نه شرط کافی ی شاعر بزرگ بودن است. شاعر را - و نه شعر را - می توان در محدوده زمانی که در آن زندگی می کند قضاوت کرد. شاعر - و نه شعر - می تواند سرباز حرکتی باشد و یا به عنوان خیانت به آن حرکت محاکمه شود. از این نقطه نظر می توان شعر را - نه به عنوان يك اثر شعری و هنری - تنها مدرک ساده ای دانست که، با توجه به مضمون آن، شناخت گرایش های فکری، اجتماعی و سیاسی شاعر ممکن می شود.»

در دومین مقاله، نمونه ای از شعرهای احمد رضا احمدی را برگزیده و آن را، برای نشان دادن همآوائی شاعران موج نو با مبارزات سیاسی آن روزها، باز شکافته بودم. این شعر «آغاز در تدوین» نام دارد و چنین شروع می شود:

به کنار برج کهنه می رسد

میگوید: نه

من، در تبیین همین فراز از آن شعر، نوشتم که: «احمدی در اولین قسمت این شعر کوتاه و به ظاهر ساده ۱۲ کلمه ای خود، یعنی در مختصرترین بیان، حرفی بزرگ و پیغامی انسانی را عرضه داشته است: اگرچه آدمیان مبارز دیروز تسلیم شده اند اما، تنها او، که کبوتری بلند پرواز و آزاده است (به همه معانی و اشارات تلویحی ی کلمه کبوتر توجه کنید!) با پرواز به سوی آنچه که حافظ مردمان از شکست است، و با پناه بردن به آنچه تاریخ، فرهنگ و سنت ماست، در مقابل این تسلیم شدن می گوید نه! توجه کنید که تسلیم شهر در فریاد بیان می شود. در این کار طنزی نهفته است. شهر، که فریادهای شورانگیز داشت و دم از رستخیز و مقاومت می زد، اکنون در آری گفتن نیز به عربده جوئی مشغول است. اما، برای کبوتر، تسلیم نشدن امری طبیعی است. پس او فقط میگوید نه!»

تا آنجا که به موضع گیری ی موج نوئی های مشکل گر، که حول نشریه «شعر دیگر» گرد آمده بودند، نسبت به شعر متعهد مربوط می شود، من از آنچه در سراسر سال ۱۳۴۸ روی داد چندان خبری ندارم چرا که سخت سرگرم فعالیت های کانون نویسندگان ایران بودم. اما اکنون که به اسناد باز مانده از آن دوران نگاه می کنم، می بینم که شاید بارزترین سخنان و موضع گیری ها از آن بدالله روئی باشد. کتاب «از سکوی سرخ»، که مجموعه مصاحبه های روئی است، از آن حکایت می کند که او در شهریور ۱۳۴۸، از جانب رادیو تلویزیون ایران، در فستیوال شعر

یوگسلاوی شرکت کرده و در شهریور آن سال به ایران برگشته است.^۴ او در مصاحبه ای که در همان ماه با نویسنده روزنامه «آیندگان» کرده، در مورد مسئله تعهد در شعر میگوید:

من در فستیوال، پس از آنکه سخنرانی های شاعران و منتقدان را شنیدم، ده دقیقه اجازه صحبت خواستم... گفتم: «حرف تعهد در شعر حرف تازه ای نیست. در کشور ما دیری است که از این مسئله به اشباع سخن گفته اند. و شاید در کشورهای شما هم. اما تعجب می کنم که هنوز فستیوال مقدونیه خود را به چنین مسئله ای مشغول داشته است. بیائید شعر متعهد را فراموش کنیم و به جای این بحث ها قبول کنیم که شعر پیش از آنکه متعهد شود متعهد می کند. شاعر اگر شاعر است درونش به تمام مسائل جهان و حیات دور و برش حساس است، و اگر شاعر درونی گیرنده و صادق نسبت به حیات زمانش ندارد شاعر نیست. پس باید از درون متعهد صحبت شود نه از شعر متعهد... چه کسی به سرخپوست ها فکر می کند؟ هیچکسی به فکر سرخپوست ها نیست؛ نژاد سالمی با تمام خصائل از شرف و غیرت که در طول تاریخ قربانی شده است و هنوز این قربانی ادامه دارد... [اما] در این جهت برای شما تعهدی وجود ندارد. - از تعهد جهت داده شده دست بکشید، شعرتان را بگوئید، به نداهای صادق و راستین درونتان جواب بدهید...» همه حیرت کردند و ابتدا به تصورشان می رسید که من شوخی می کنم، اما بعد وقتی چشمان مرطوبم را دیدند همه را سکوت در بر گرفت و به یادشان آمد که نژادی در تاریخ قربانی شده و تاریخ نیز آن را فراموش کرده است.^۵

۱. احمد رضا احمدی اگرچه به اقتضای وضع اقتصادی، ناچار شد در دفتر انتشارات روزن، که روایاتی و ابراهیم گلستان به راهش انداخته بودند، کاری بگیرد و حشر و نشر بیشتری با روایاتی داشته باشد، اما هرگز به گروه «شعر دیگر» نپیوست. من اعتراض را به نحوه برخورد گردانندگان انتشارات روزن با احمد رضا احمدی، در مطلبی که به مناسبت برگزاری شب شعری برای سهراب سپهری در محل روزن نوشتم و در آرش، به سردبیری اسلام کاظمیه، چاپ شد اعلام داشتم. این را هم گفته باشم که ابتکار برگزاری شب های شعر برای اولین بار در ایران با انتشارات روزن بود. در مورد شب های شعر نگاه کنید به «صور و اسباب»، صفحه ۲۷.

۲. اسماعیل نوری علا. «ارزش های اجتماعی شعر». آرش. دوره سوم. شماره ۴. ۱۳۴۶.

۳. اسماعیل نوری علا. «نگاهی به یک شعر احمد رضا احمدی». بررسی ی کتاب. انتشارات مروارید. اسفند ۱۳۴۷.

۴. یدالله روایاتی. «گزارشی از فستیوال شعر یوگوسلاوی». بررسی ی کتاب. د جدید. شماره ۱. تجدید چاپ در کتاب از زبان نیما تا شعر هجم.

۵. یدالله روایاتی. «در گفتگو با لیلی گلزاری». روزنامه آیندگان. شهریور ۱۳۴۸.